

The Effectiveness of Spiritual Intelligence Training on Identity Crisis among the First High School Female Students of Qom

*Faeze Etemadi**

*Reza Jafari Harandi***

E-mail: mahyaparsae73@yahoo.com


E-mail: rjafarih@gmail.com

Received : 2021/7/31

Revised: 2022/6/22

Accepted: 2022/6/26

Doi: 10.22034/rjnsq.2022.297259.1308

: 20.1001.1.1735059.1401.23.90.4.5

Abstract:

The purpose of this study was to determine the effectiveness of spiritual intelligence training on identity crisis among the first high school female students of Qom. The research method is semi-experimental with pretest-posttest design and control groups. The research population included all of the first high school female students of qom in 2019- 2020. 60 students were selected by the multistage cluster sampling method and randomly assigned to experimental and control groups. To collect information in the pre-test and post-test stages, the Ahmadi's Identity Crisis Questionnaire (1997) was used. The experimental group received ten 90-minute sessions of King's spiritual intelligence training Package (2008). Data was analyzed using covariance analysis. The findings showed that the difference between the experimental and control groups regarding the effect of spiritual intelligence on dependent variables (reduction of identity crisis) is significant and spiritual intelligence reduces identity crisis. According to the results, counselors and teachers consider programs for training and development of spiritual intelligence in order to decrease identity crisis in adolescents.

Keywords: Spiritual Intelligence Training, Identity Crisis, Female Students, First High School, Qom City.

* M.A. in Educational Psychology, University of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author).

** Associate Professor in Educational Sciences, Literature & Human Sciences Faculty, University of Qom, Qom, Iran.

تأثیر آموزش هوش معنوی بر بحران هویت دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه اول شهر قم

نوع مقاله: پژوهشی

فائزه اعتمادی*

E-mail: mahyaparsaee73@yahoo.com

رضا جعفری هرنندی**

E-mail: rjafarh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۴/۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۵

چکیده

هدف از پژوهش حاضر تعیین اثربخشی آموزش هوش معنوی بر بحران هویت دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه اول شهر قم بوده است. روش تحقیق از نوع شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه‌آماری این پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه اول شهر قم در سال ۱۳۹۸-۱۳۹۹ بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای ۶۰ دانش‌آموز انتخاب و به‌طور تصادفی در گروه‌های آزمایش و کنترل جایگزین شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه‌ی «بحران هویت احمدی (۱۳۷۶)»، مورد استفاده قرار گرفت. گروه آزمایش طی ۱۰ جلسه‌ی ۹۰ دقیقه‌ای تحت آموزش بسته‌ی هوش معنوی کینگ (۲۰۰۸) قرار گرفتند. تحلیل داده‌ها با روش تحلیل کواریانس انجام شد. یافته‌ها نشان داد که تفاوت گروه کنترل و آزمایش با توجه به تأثیر هوش معنوی بر متغیر وابسته (کاهش بحران هویت)، معنادار است و آموزش هوش معنوی باعث کاهش بحران هویت می‌شود. براساس نتایج پیشنهاد می‌شود مشاوران و مربیان به‌منظور کاهش بحران هویت در نوجوانان برنامه‌هایی برای آموزش و رشد هوش معنوی در آن‌ها در نظر بگیرند.

کلیدواژه‌ها: آموزش هوش معنوی، بحران هویت، دانش‌آموزان دختر، دوره متوسطه اول، شهر قم.

* کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).
** دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم، قم، ایران.



مقدمه

نوجوانی یکی از چالش‌برانگیزترین، تنش‌زاترین، جذاب‌ترین و درعین‌حال مشکل‌سازترین دوران زندگی هم برای نوجوانان، هم برای والدین و هم معلمان و متخصصان است (حیاتی، احمدی الموتی و پورحسن، ۱۳۹۵: ۱). نوجوانی یک دوره‌ی انتقالی از وابستگی دوران کودکی به استقلال و مسئولیت‌پذیری دوران جوانی و بزرگسالی است و منجر به تجدید ساختار شخصیت فرد می‌گردد. در این دوره، نوجوان با دو مسئله اساسی درگیر است: یکی بازنگری و بازسازی ارتباط با والدین، بزرگسالان و جامعه و دیگری بازشناسی و بازسازی خود به‌عنوان یک فرد مستقل (شیردل، حامی کارگر و انجم شعاع، ۱۴۰۰: ۶۹). این دوره اگرچه گذرا بوده ولی دوره حساسی است که افراد در طی آن بلوغی را تجربه می‌کنند که بر رشد جسمانی، فیزیولوژیکی و روان‌شناختی آنان تأثیر می‌گذارد، تغییرات قابل‌ملاحظه‌ای در مفهوم «خود» صورت می‌گیرد و همچنین با بحران‌های جسمانی و روانی مختلفی روبرو می‌شوند. در بحث روانشناسی رشد از دوره نوجوانی به‌عنوان بحرانی‌ترین دوره زندگی یاد شده است، به‌طوری‌که «استانلی هال» پدر روانشناسی نوجوانی و بلوغ، دوره نوجوانی را دوره فشار و طوفان می‌داند (کهندانی، شیرازی و عسگری، ۱۳۹۴: ۲). یکی از مهم‌ترین بحران‌هایی که فرد در این دوره تجربه می‌کند، بحران هویت است که در سازگاری شخصی، روابط اجتماعی، پیشرفت تحصیلی و طرح‌ریزی شغلی نوجوان اختلال عمده ایجاد می‌کند. از سویی دیگر دستیابی به هدف‌های مهم پرورشی باوجود آشفتگی و بحران هویت امری مشکل‌گیرمکن است (مرعشیان و صفرزاده، ۱۳۹۶: ۸۱).

در بحران هویت، نوجوان شدیداً دچار اضطراب و ناراحتی ذهنی است به‌صورتی که نمی‌تواند جنبه‌های مختلف شخصیت خویش را در یک خویشتن قابل‌قبول و هماهنگ، سازمان دهد. چنین شخصی در درجه اول از حقیقت وجودی خود و استعداد و توانمندی‌هایی که دارد، آگاهی لازم را ندارد و در درجه دوم، از هدف خلقت و نقشی که در نظام هستی بر عهده اوست، بی‌اطلاع است. در نتیجه، از تشخیص شیوه درست ارتباط با دیگران و برخورد با پیش‌آمدها و نیز پاسخ به اصلی‌ترین پرسش‌های زندگی عاجز است. مجموعه این امور درنهایت، او را دچار سردرگمی در اغلب موضع‌گیری‌ها می‌کند. طبیعی است که وقتی فرد خود را نشناخت و هدف از آفرینش جهان و انسان برای وی معلوم نگشت و با وظایفی که در جامعه بر عهده دارد آشنا نشد، نمی‌تواند نقش مثبتی در زندگی ایفا کند. بروز چنین وضعی و تزلزل فکری

اعتقادی مهم‌ترین خطری است که سعادت انسان را در طول حیات مورد تهدید قرار می‌دهد (کهندانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷). بحران هویت سبب شده است برخی از جوانان از درک و حل مسائل اجتماعی کشور خود ناتوان باشند و در نتیجه به سرنوشت جامعه خود بی‌اعتنا شده، احساس مسئولیت و تعهد را از دست بدهند. این حالت موجب بروز آسیب‌های اجتماعی از جمله آشفتگی فکری، گرایش به اعتیاد، بی‌میلی نسبت به زندگی، فرار مغزها، مهاجرت و ... شده یا خواهد شد. بحران هویت یکی از عوامل آسیب‌زای اجتماعی است که منجر به تشدید آسیب‌های اجتماعی از قبیل اعتیاد، طلاق، بزهکاری و انواع انحرافات اجتماعی نیز خواهد شد. به همین جهت شناسایی عواملی که می‌تواند بر بحران هویت به‌عنوان مهم‌ترین نشانه سلامت روان تأثیرگذار باشد حائز اهمیت است (کاکیا، ۱۳۸۹: ۷).

محققان از مدت‌ها پیش متذکر شده‌اند که دین و معنویت منبعی برای آرامش است و افراد هنگام مواجهه با بحران، از راه‌حل‌های معنوی استفاده می‌کنند تا بتوانند بحران را با موفقیت پشت سر بگذارند، این راه‌حل‌ها برای انسان احساس هدفمندی و کنترل شخصی به ارمغان می‌آورد (وطن‌پرست و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶). یکی از این راه‌حل‌های معنوی برای حل بحران، بالا بردن هوش معنوی است که با ایجاد نوعی جهان‌بینی معنوی، معنا و هدف نهایی زندگی را برای انسان تبیین می‌کند و مقصد حرکت او را نشان می‌دهد و در نتیجه دیگر ابعاد هویتی وی نظیر هویت شغلی، جنسیتی و ... به‌عنوان واسطه‌های دستیابی به آن هدف و در راستای آن معنا و غایت نهایی جهت می‌گیرد (حیاتی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷). اریکسون معتقد بود معنویت و مذهب از طریق نهادهای دینی یا خانواده می‌تواند به نوجوانان در به دست آوردن هویت فردی و جمعی یاری رساند و پاسخگوی پرسش‌های اساسی آنان باشد. وی دین و معنویت را مهم‌ترین نهادی می‌داند که باعث ظهور و بروز اطمینان و تعهد به یک ایدئولوژی می‌شود و این پایبندی برای شناخت و پرورش هویت اساسی است (نجفی، ملکی، سبحانی نژاد و مصباح، ۱۴۰۰: ۳). وبستر (۲۰۰۵) نیز معتقد است که تشکیل هویت شخصی موثق، نیازمند این است که فرد خود، هویت خود، ارزیابی قوی خود و امکاناتش را انتخاب نماید؛ بنابراین آموزه‌های معنوی باید فرد را تشویق نماید تا خود را ارزیابی کند و برای چگونگی روابطش، ارزیابی‌هایش، عقایدش، احساسش، عملش و وجودش دلیل بیاورد؛ بنابراین به نظر می‌رسد بین هوش معنوی با شکل‌گیری هویت رابطه وجود دارد (برجعی و خسروی، ۱۳۹۵: ۹۷).



چارچوب نظری و مفهومی

۱- پیشینه تحقیق

تاکنون تحقیقات مختلفی در ایران و کشورهای خارجی در زمینه بحران هویت انجام شده است که ارتباط این متغیر با عوامل دیگر از جمله هوش معنوی را مورد بررسی قرار داده‌اند. اما با این وجود به نظر می‌رسد که اهمیت بحران هویت در زندگی نوجوانان تا حدی است که تحقیقات بسیاری را در این زمینه می‌طلبد. مرعشیان و صفرزاده (۱۳۹۶) در مقاله‌ای نشان دادند که بین التزام عملی به اعتقادات اسلامی با بحران هویت رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد. به‌طور مثال پیروی و رجایی (۱۳۹۵) در پژوهشی دریافتند که آموزش‌های تقویت هوش معنوی باعث کاهش میانگین نمرات بحران هویت و مؤلفه‌های آن در نوجوانان می‌شود. همچنین حیاتی، احمدی الموتی و پورحسن (۱۳۹۵) در مقاله‌ای نشان دادند که عامل دین، معنویت و داشتن تعریفی از خود، معنای زندگی، هدف زندگی و... از جمله مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده هویت انسان هستند و مذهب یکی از قوی‌ترین عوامل برای حل بحران هویت در دوره نوجوانی است.

برجعی و خسروی (۱۳۹۵) نیز در پژوهش خود نتیجه گرفتند که بین هوش معنوی با هویت فردی رابطه معنی‌دار و مثبتی وجود دارد و هوش معنوی نقش مهمی در شکل‌گیری هویت پایدار در افراد ایفا می‌کند. همچنین عالمی (۱۳۹۵) در پژوهشی نشان داد که توجه به بعد معنوی، شاخص‌های دینی و جهان‌بینی اعتقادی مردم از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در ایجاد هویت و رهایی از بحران هویت است. وطن‌پرست، پارسب و شهسوارزاده جنگی (۱۳۹۴) در تحقیقی نتیجه گرفتند که بین دین‌داری و بحران هویت رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد. حاتمی کیا، خاک نژاد و آزاد لطف (۱۳۹۴) در پژوهش دریافتند که بین مذهب و هویت رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و مذهب تأثیر مستقیمی در شکل‌گیری هویت دارد. رجایی، بیاضی و حبیبی پور (۱۳۸۸) در مقاله خود نشان دادند افرادی که نمرات بالایی در باورهای مذهبی اساسی داشتند، در بحران هویت نمرات کمتری را کسب کرده‌اند. نجفی، احدی و دلاور (۱۳۸۵) در مقاله‌ای نشان دادند که بین دین‌داری با بحران هویت رابطه معکوس معنادار وجود دارد. لیکلی (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای نشان داد که افرادی که هویتشان به‌خوبی شکل گرفته است از گرایش‌های مذهبی قوی برخوردار هستند. کروگر (۲۰۱۳) نشان داد که افرادی که در شکل‌گیری هویتشان دچار مشکل شده‌اند،

ازلحاظ مسئولیت‌پذیری و تعهدات مذهبی ضعیف هستند. هافمن (۲۰۱۳) در پژوهشی نشان داد که افرادی که هویت آشفته دارند، عقاید و باورهای مذهبی راسخ ندارند. رول (۲۰۰۸) در مقاله‌ای نشان داد که بین معنویت با عواملی همچون جامعه، هویت و شخصیت ارتباط وجود دارد. وبستر (۲۰۰۵) در پژوهشی نشان داد که بین ابعاد هوش معنوی و هویت فردی رابطه وجود دارد و می‌توان رشد هویت فردی را براساس هوش معنوی پیش‌بینی نمود. بارتون (۲۰۰۵) در پژوهش خود نشان داد که مؤلفه ایجاد معنای شخصی در هوش معنوی از مهم‌ترین عوامل جلوگیری‌کننده از بحران‌های وجودی است. پل و اسمیت (۲۰۰۳) در پژوهشی دریافتند که آگاه شدن از خود در ارتباط با خدا، شناخت رویدادها و تعامل مطابق ضوابط معنوی از جمله مواردی است که در شکل‌گیری هویت نقش مهمی ایفا می‌کند؛ بنابراین با مروری بر پیشینه نظری و تجربی متغیر بحران هویت می‌توان به این نتیجه دست یافت که هوش معنوی می‌تواند به عنوان یک راه حل معنوی در حل بحران هویت به‌منزله مهم‌ترین بحرانی که فرد در زندگی با آن مواجه است، مؤثر باشد. با نگاهی به ادبیات پژوهشی، می‌توان مشاهده کرد تحقیقاتی که در گذشته در این زمینه‌ها انجام شده است عموماً در سطح همبستگی و رابطه‌ای بوده‌اند و کمتر به بررسی تأثیر مستقیم آموزش هوش معنوی بر بحران هویت در قالب طرح شبه آزمایشی پرداخته‌اند؛ ازین‌رو، این پژوهش درصدد است تا با روش شبه‌آزمایشی به این مسئله بپردازد.

۲- تعریف مفاهیم و چارچوب نظری

هویت: هویت واژه‌ای است که به دلیل ماهیت میان‌رشته‌ای، کاربردهای گسترده‌ای یافته و تعریف مفهومی آن به‌شدت متأثر از مکاتب و رویکردهای نظری مربوطه است. در رویکرد مدرن، بیشتر روانشناسان و نظریه‌پردازان شخصیت، هویت را امری فردی و شخصی تلقی کرده و بر این باورند که هویت به خصیصه‌های شخصیتی و احساسی فرد مربوط می‌شود و فرایندهای روانی، نقشی ضروری در ساخت و پرداخت هویت ایفا می‌کنند (پرکی و ناستی زایی، ۱۴۰۰: ۹۱).

هویت را با توجه به دایرةالمعارف فلسفه استانفورد می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «آن صفاتی که شما را یکتا، به‌عنوان یک فرد و متفاوت از دیگران می‌سازد» (حیاتی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳). هویت پاسخ به چیستی و کیستی انسان‌هاست. کیستی و چیستی انسان هم‌زمان می‌تواند در ابعاد فردی، جمعی، تاریخی، دینی، ملی، قومی و مذهبی مورد تبیین قرار



بگیرد (پرکی و ناستی زایی، ۱۴۰۰: ۹۱). هویت شخصی نیز سازه‌ای روانی-اجتماعی است و طرز فکر و عقاید و نحوه‌ی ارتباط فرد با دیگران را شامل می‌شود.

اریکسون هویت را مجموعه‌ای پویا، خودساخته و درونی می‌داند که شامل آرزوها، اهداف، توانایی‌ها، باورها و تاریخچه فردی است. به باور او دستیابی به هویت حاصل فرایندی پویاست که با عوامل اجتماعی برانگیخته و در طول عمر همواره بازسازی می‌شود (برزونسکی، ۲۰۰۵: ۱۲۵). اریکسون همچنین هویت را احساس نسبتاً پایدار از یگانگی خود تعریف می‌کند، یعنی فرد به‌رغم داشتن خواسته‌ها، علایق، نیازها و انگیزه‌های مشترک با دیگران، با آن‌ها متفاوت است و نیاز به استقلال، ثبات و حس یکپارچگی در اعمال، انگیزه‌ها و رفتارهایش دارد. وی هویت را به‌عنوان پیشرفت مهم شخصیت و گامی مهم در جهت تبدیل شدن نوجوان به بزرگسال ثمربخش و خوشحال، تشخیص داد و تعارض روان‌شناختی نوجوانی را هویت در برابر سردرگمی نقش نامید (حیاتی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳).

بنابراین براساس نظریه‌ی اریکسون (۱۹۶۸)، موضوع حاکم بر رشد «خود» در دوره نوجوانی، هویت است. «من کیستم؟» این سؤالی است که ذهن هر فرد به‌ویژه نوجوانان و جوانان را به خود مشغول می‌کند و یافتن پاسخ همین سؤال افراد را به جستجوی خویشتن و کسب هویت برمی‌انگیزاند. اگر هویت شخصی نوجوان در طول زمان و براساس تجربیات حاصل از برخورد صحیح اجتماعی شکل بگیرد و نوجوان خود را بشناسد و از دیگران جدا سازد، تعادل روانی او تضمین می‌شود ولی اگر به‌جای خودآگاهی و تشکیل هویت مثبت، دچار ابهام در نقش شود، هماهنگی و تعادل روانی او به هم می‌خورد و به بحران هویت دچار می‌شود؛ بنابراین، رشد و تکامل نوجوان وابسته به حل این بحران است (وطن‌پرست، پارسب و شهسوارزاده جنگی، ۱۳۹۴: ۱۸).

بحران هویت: در مباحث علمی، واژه بحران هویت، اولین بار توسط «اریکسون» به کار گرفته شد. وی در خلال جنگ جهانی دوم، گروهی از سربازان آمریکایی را مشاهده نمود که نمی‌توانستند فعالیت‌ها و نگرش‌های خود در مقام سرباز را با فعالیت‌ها و نگرش‌های قبلی‌شان در مقام شهروند، سازش دهند. اریکسون برای شرح این حالت، اصطلاح «آشفته‌گی هویت» یا بحران هویت را به کار گرفت (مریدی و تقی زادگان، ۱۳۸۶: ۱۴۵).

از عدم توانایی فرد در تحصیل هویت انسانی، با تعابیر مختلفی یاد شده است. برخی از صاحب‌نظران از آن با تعبیر «گم کردن خویشتن» یا «ازخودبیگانگی» یاد می‌کنند و روانشناسان از این حالت اغلب تحت عناوینی چون «آشفته‌گی هویت»،

«اختلال هویت» و «بحران هویت» یاد می‌کنند (کهندانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷). بحران هویت، یعنی وجود تزلزل و ابهام در تعریفی که فرد از خود و وجود خود می‌کند و مانع از آن می‌شود که فرد به شخصیت خود یکپارچگی و انسجام ببخشد و به سؤالاتی از قبیل «من کیستم؟»، «من چیستم؟» و «چه می‌خواهم؟» پاسخ دهد (مریدی و تقی زادگان، ۱۳۸۶: ۱۴۵).

به اعتراف همه صاحب‌نظران، جدی‌ترین بحرانی که یک شخص با آن مواجه می‌شود در خلال شکل‌گیری هویت رخ می‌دهد. این بحران بدان جهت جدی است که موفقیت در رویارویی با آن پیامدهای بسیاری در زندگی بزرگ‌سالی فرد خواهد داشت. اریکسون بحران هویت را بهنجار قلمداد می‌کند؛ اما ناتوانی در برخورد و کنار آمدن با آن را نابهنجار می‌داند، زیرا فرد را از داشتن هویتی محکم محروم می‌سازد و اگر به‌طور موفقیت‌آمیزی حل نشود، سردرگمی در نقش، فرار از خانه، بزهکاری و بیماری‌های شدید روانی را در پی خواهد داشت. بحران هویت که نوجوان را به ابهام و سردرگمی می‌کشاند دارای عوارضی همچون اختلال در احساس زمان و وقت، احساس شدید نسبت به خود و هویت منفی خواهد بود (کاکیا، ۱۳۸۹: ۷).

هوش معنوی: هم‌پوشی معنویت و هوش در سال‌های اخیر چه در تحقیقات تجربی و چه در تئوری‌های علمی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. هوش معنوی این سازه‌ها را در یک سازه ترکیب نموده است. سازه معنویت به معنی جستجو برای یافتن عناصر مقدس، معنایابی، هشیاری بالا و تعالی است، ولی هوش معنوی شامل توانایی برای استفاده از چنین موضوعاتی است که می‌تواند کارکرد و سازگاری فرد را پیش‌بینی کند و منجر به تولیدات و نتایج ارزشمندی گردد (سهرابی، ۱۳۸۷: ۱۴). مفهوم هوش معنوی اولین بار در ادبیات علمی روانشناسی در سال ۱۹۹۶ توسط استیونز^۱ و بعد در سال ۱۹۹۹ توسط ایمونز^۲ مطرح شد و به‌عنوان یکی از جدیدترین سازه‌ها در روانشناسی و علم مدیریت در مرکز توجه قرار گرفت (نمازیان، ۱۳۹۲: ۵۴).

از نظر ایمونز (۱۹۹۹) هوش معنوی عبارت است از ظرفیت انسان برای پرسیدن سؤالات نهایی درباره معنای زندگی و دستیابی به یکپارچگی در ارتباط بین خود و دنیایی که در آن زندگی می‌کند. این هوش به فرد نگاهی کلی در مورد زندگی و

1. Stivenz

2. Rabert amons



رویدادها می‌دهد و او را قادر می‌سازد به چارچوب‌دهی و تفسیر مجدد تجارب خود بپردازد و به رویدادها و تجارب خود معنا و ارزش شخصی بیشتری بدهد و معرفت و شناخت خویش را عمق بخشد (رجبی، ۱۳۹۳: ۵۳).

از نظر کینگ (۲۰۰۸) هوش معنوی دارای ۴ مؤلفه است که عبارت‌اند از:

- ۱- «تفکر وجودی انتقادی» در موضوعاتی از قبیل زندگی، مرگ، زندگی پس از مرگ، واقعیت، عدالت و دیگر موضوعات وجودی
- ۲- «معناسازی شخصی»: توانایی ایجاد معنا و اهداف شخصی از تجربیات ذهنی و جسمانی و به عبارتی زندگی بر اساس اهداف ایجادشده.
- ۳- «آگاهی متعالی»: توانایی شناسایی ابعاد متعالی و ماورایی در خود، دیگران و جهان مادی.

۴- «گسترش آگاهی»: توانایی ورود به حالت‌های معنوی یا فراتر از هشیاری (برجلی و خسروی، ۱۳۹۵: ۹۷).

هوش معنوی دربرگیرنده‌ی نوعی سازگاری و رفتار حل مسئله است که بالاترین سطوح رشد را در حیطه‌های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی و بین‌فردی شامل می‌شود و فرد را در جهت هماهنگی با پدیده‌های اطراف و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی یاری می‌نماید (نیک‌آمال و شادمان‌فر، ۱۳۹۳: ۱۱۱). هوش معنوی بر طبق تعریف زوهر و مارشال (۲۰۰۰) توسعه اشتیاق و ظرفیت ما برای درک معانی، بصیرت و ارزش است که باعث تسهیل تبادل گفتگو بین منطق و احساسات، بین جسم و ذهن می‌شود و ما را قادر می‌سازد که تبادل درون فردی و میان فردی‌مان را یکپارچه سازیم (تاج‌آبادی‌هرات، ۱۳۹۱: ۶). همچنین آن‌ها معتقدند که هوش معنوی، هوشی است که ما را هدایت می‌کند تا مشکلات مفهومی و عمیق را حل کنیم و با این هوش ما می‌توانیم فعالیت‌ها و زندگی‌مان را گسترده‌تر، غنی‌تر و با مفهوم‌تر کنیم و نیز عمل یا مسیر زندگی‌مان را نسبت به دیگران عمیق‌تر ارزیابی کنیم. تعریف آن‌ها هوش معنوی را باحالتی از ارتباط با یک کل گسترده‌تر و بزرگ‌تر، برجسته می‌کند. زوهر می‌گوید: انسان ضرورتاً موجودی است معنوی و به‌منظور پرسیدن سؤالات اساسی تکامل می‌یابد (سازگار، ۱۳۸۹: ۳۶).

هوش معنوی را می‌توان با تمرین‌های مختلف توجه، تغییر شکل دادن هیجان‌ات و تقویت کردن رفتارهای اخلاقی، افزایش داد. این تمرین‌ها منحصر به یک دین خاص با آموزش معنوی خاص نیستند. ویگلزورث بیان می‌کند که آگاهی هشیارانه و سازگاری

با وقایع و تجارب زندگی و پرورش خودآگاهی، از جمله عوامل اصلی رشد هوش معنوی تلقی می‌شوند (ویگلزورث، ۲۰۰۴).

فرضیه‌ها و اهداف تحقیق

فرضیه تحقیق

آموزش هوش معنوی سبب کاهش بحران هویت در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول شهر قم می‌شود.

هدف تحقیق

تعیین اثربخشی آموزش هوش معنوی بر بحران هویت دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه اول شهر قم.

روش پژوهش

روش تحقیق از نوع شبه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه اول شهر قم در سال ۹۹-۱۳۹۸ بودند. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ابتدا از بین ۴ ناحیه استان قم، ناحیه ۲ و از بین مدارس این ناحیه یک مدرسه به صورت تصادفی انتخاب شد. از این مدرسه ۲ کلاس پایه هشتم به صورت تصادفی انتخاب گردید. سپس یکی از کلاس‌ها به عنوان گروه گواه و دیگری به عنوان گروه آزمایش انتخاب شد. تعداد افراد نمونه در گروه گواه ۳۰ نفر و در گروه آزمایش نیز ۳۰ نفر بود. در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار زیر استفاده شد:

پرسش‌نامه بحران هویت: پرسش‌نامه بحران هویت، یک مقیاس مداد کاغذی است که توسط احمدی (۱۳۷۶) تدوین شده و دارای ۴۰ ماده است. این ابزار میزان ابتلای فرد به بحران هویت را با تأکید بر ۱۰ بخش مجزا شامل: ۱- اشکال در اهداف بلندمدت، ۲- تردید در انتخاب شغل، ۳- نداشتن الگوی مناسب برای رفاقت، ۴- نامتناسب بودن رفتار جنسی، ۵- اشکال در شناخت و معرفت مذهبی، ۶- عدم توجه به ارزش‌های اخلاقی، ۷- رعایت نکردن تعهد گروهی، ۸- داشتن دید منفی نسبت به خود، ۹- نداشتن روحیه تلاش و ابتکار و ۱۰- اختلال در تنظیم وقت موردسنجش قرار می‌دهد. این سؤال‌ها دارای ۴ درجه هستند و به صورتی تدوین گردیده‌اند که در هر مقوله، گزینه اول معرف نبودن اشکال و نقصان بوده و گزینه آخر (چهارم) معرف



شدید بودن اشکال و نقصان است. شیوه نمره‌گذاری این پرسش‌نامه ۳۰ ماده‌ای به صورتی است که آزمودنی‌ها باید به یکی از چهار گزینه (در هر بخش)، پاسخ دهند و سپس پاسخ‌های آنان بر اساس مقادیر ۰، ۱، ۲ و ۳ نمره‌گذاری می‌شود. حداکثر نمره، در این پرسش‌نامه ۹۰ امتیاز و حداقل آن صفر است. هر قدر نمره آزمودنی به سوی ۹۰ گرایش یابد، می‌توان اذعان داشت که در کسب هویت، بحران بیشتری را داراست و برعکس، هر قدر نمره وی به سوی صفر گرایش یابد، معرف توانمندی بیشتر وی در اکتساب هویتش است. در تحقیق بوعلی داد و کمانی که در سال ۱۳۸۰ انجام گرفته است، میزان آلفای کرونباخ محاسبه شده برای این پرسش‌نامه، برابر با ضریب $0/89$ است. همچنین با روش دونیمه کردن، میزان ضرایب اعتبار در این پرسش‌نامه، $0/95$ است که معرف ضریب اعتبار بسیار مقبولی است (محمدی نسب، همایونی و مجیدی یایچی، ۱۳۹۹: ۱۲۰). در پژوهش قلعه‌نویی و اکبری (۱۳۹۵) نیز با استفاده از روش دو نیمه کردن میزان ضریب اعتبار این پرسش‌نامه ۹۵ درصد گزارش شد.

شیوهی اجرا

برای اجرای آموزش در خصوص هوش معنوی از بسته آموزشی کینگ (۲۰۰۸) استفاده گردید. این بسته‌ی آموزشی در پژوهش‌های افرادی همچون بذرافشان (۱۳۹۰) و تاج‌آبادی‌هرات (۱۳۹۱) و ... نیز استفاده شده است. لازم به ذکر است که محتوای بسته آموزشی قبل از شروع آموزش در اختیار متخصصان روانشناسی تربیتی و اسلامی و اساتید مربوطه قرار گرفت تا براساس تجربیات و مطالعات خود اصلاحاتی در آن انجام داده و مثال‌ها و توضیحاتی به‌منظور بومی‌سازی مطالب و تفهیم بیشتر موضوعات در آن گنجانده شود. پس‌ازاینکه شرکت‌کنندگان در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند، هر دو گروه، پرسش‌نامه بحران هویت احمدی (۱۳۷۶) را پاسخ دادند. آنگاه گروه آزمایش در معرض اجرای برنامه آموزش هوش معنوی قرار گرفت. بدین منظور از گروه آزمایش خواسته شد جهت بهره‌مندی از آموزش‌های هوش معنوی در روزها و ساعات تعیین‌شده در کلاس حضور پیدا کنند. این آموزش‌ها طی ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای، در ساعات بعدازظهر، ۱ تا ۲ جلسه در هر هفته و به‌صورت جایگزین کلاس‌های عادی در مدرسه نواب صفوی واقع در ناحیه ۲ قم در تاریخ ۱ آذر تا ۱۰ بهمن سال ۱۳۹۸ برگزار شده است. آموزش‌ها با روش سخنرانی و پرسش و پاسخ، توسط پژوهشگر و با همکاری مشاور مدرسه که از متخصصان روانشناسی اسلامی

بودند، انجام شد. در پایان اجرا نیز مجدداً پرسش‌نامه بحران هویت احمدی (۱۳۷۶) برای هر دو گروه اجرا شد.

در این مطالعه، ملاک‌های ورود به نمونه عبارت بودند از: دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه اول، تمایل جهت شرکت در پژوهش و عدم شرکت در جلسات آموزشی و مشاوره‌ای به‌صورت هم‌زمان. ملاک‌های خروج نیز عبارت بودند از: عدم تمایل جهت حضور در جلسات آموزشی و شرکت در جلسات آموزشی و مشاوره‌ای دیگر به‌صورت هم‌زمان. لازم به ذکر است که در این پژوهش افت آزمودنی وجود نداشت.

جدول شماره ۱: خلاصه جلسات آموزش هوش معنوی

جلسات هدف محتوا جلسات تکلیف			
اول	۱- آشنایی با دانش‌آموزان، ایجاد انگیزه برای جلب مشارکت آن‌ها در جلسات آموزشی ۲- بیان نحوه‌ی انجام جلسات ۳- اجرای پیش‌آزمون (بحران هویت)	۱- تبادل نظر پیرامون مفاهیم مذهب، معنویت، هم‌پوشی مذهب و معنویت. ۲- نقش مذهب و معنویت در زندگی فردی و اجتماعی. ۳- ارائه‌ی تعاریفی از بحران هویت، هوش و هوش معنوی. ۴- بیان عوامل مؤثر بر بحران هویت.	-----
دوم و سوم	تولید و افزایش معنای شخصی	۱- لزوم تعیین هدف در زندگی. ۲- بیان عوامل مؤثر در هدف‌گذاری. ۳- نقش هدف در معنابخشی به زندگی. ۴- تبادل نظر پیرامون نقش مذهب و معنویت در شادمانی، سلامت روان و بحران هویت. ۵- امکان یافتن معنا در تمام فعالیت‌ها حتی شکست، سختی‌ها و ...	۱- مصاحبه با ۳ نفر از افرادی که آن‌ها را هدفمند و موفق می‌دانند و بررسی تأثیر اهداف شخصی و داشتن معنا در زندگی بر موفقیت آن‌ها و تهیه گزارش. ۲- دانش‌آموزان ۳ مورد از ارزش‌ها یا اهداف مهم زندگی خود را نوشته و تأثیر آن‌ها را بر معنابخشی به زندگی مادی، رفتار اجتماعی و اعتقادات معنوی خود ذکر نمایند.



<p>چهارم و پنجم</p>	<p>افزایش آگاهی متعالی</p>	<p>۱- توجه به بعد مادی و معنوی انسان و اولویت بعد معنوی و آگاهی از جنبه‌های غیرمادی زندگی. ۲- آگاهی از ارتباط بین خود و دیگران ۳- بیان ویژگی‌های افراد متعالی (کنترل افکار و اعمال). ۴- بیان نتایج آگاهی متعالی (پذیرش مشیت الهی، عدم احساس تنهایی، تمسک به قدرت برتر و احساس هدایت شدن).</p>	<p>۱- بررسی نقش آیین‌های مذهبی و نهادها و مراکز خدمات اجتماعی در افزایش آگاهی متعالی. ۲- از دانش‌آموزان خواسته می‌شود که از طریق ایفای نقش و تجسم ذهنی جهت تثبیت آگاهی متعالی خود استفاده نمایند.</p>
<p>ششم و هفتم</p>	<p>آموزش تفکر انتقادی وجودی</p>	<p>۱- تفکر درباره‌ی هدف از خلقت، انسان، مبدأ و مقصد آفرینش. ۲- لزوم وجود نیروی برتر در جهان هستی و تأثیر آن در زندگی شخصی انسان‌ها. ۳- لزوم توسعه‌ی نظرات شخصی درباره‌ی زندگی، مرگ، وجود و واقعیت. ۴- نتایج و تأثیرات ناشی از تحلیل سؤالات وجودی و رسیدن به استنتاج شخصی. ۵- نقش تفکر انتقادی وجودی در معنایابی انسان در زندگی.</p>	<p>۱- بررسی منابع مذهبی و بیان ضرورت و نتایج تفکر در ذات هستی، مفاهیم وجودی و زندگی پس از مرگ. ۲- استفاده از فنون بارش فکری، تجسم ذهنی و نقش بازی کردن درباره‌ی زندگی، مرگ، وجود، واقعیت و...</p>
<p>هشتم و نهم</p>	<p>توسعه‌ی سطوح آگاهی</p>	<p>۱- توجه به جهان به صورت یک کل یکپارچه. ۲- توانایی جداسازی خود از احساسات جهان مادی هنگام تفکر، عبادت یا حالات روحانی. ۳- کسب شناختی فراتر از ماده و توانایی غلبه بر زمان. ۴- پرورش تکنیک‌هایی برای ورود به سطوح بالاتر آگاهی.</p>	<p>۱- تلاش برای رسیدن به آگاهی و هوشیاری سطح بالاتر با به‌کارگیری تمرینات آموزش داده‌شده در کلاس، آموزش آرمیدگی عضلانی و استفاده از تکنیک‌های بارش فکری و تجسم ذهنی.</p>
<p>دهم</p>	<p>جمع‌بندی مطالب گذشته</p>	<p>پاسخ به سؤالات، انجام پس‌آزمون (بحران هویت).</p>	<p>-----</p>

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها ابتدا نتایج آمار توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار متغیرها بیان گردید. سپس پیش فرض‌های تحلیل کواریانس مورد بررسی واقع شد و با توجه به نتایج آن در مورد انتخاب آزمون آماری مناسب (تحلیل کواریانس) تصمیم‌گیری شد. در نهایت جدول تحلیل کواریانس ارائه و به بررسی نتایج پرداخته شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شد.

یافته‌ها

جدول شماره ۲: میانگین و انحراف استاندارد بحران هویت بر اساس گروه آزمایش و کنترل

متغیرها	منبع	گروه کنترل		گروه آزمایش	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
بحران هویت	پیش آزمون	۷/۵۷	۶/۹۷۶	۷/۵۰	۴/۵۹۲
	پس آزمون	۷/۶۳	۶/۸۲۰	۴/۱۳	۳/۹۰۲

بر اساس نتایج جدول بالا در گروه آزمایش؛ میانگین بحران هویت در مرحله پس آزمون از مرحله پیش آزمون کمتر است. در گروه کنترل میانگین بحران هویت در مرحله پس آزمون از مرحله پیش آزمون اندکی بیشتر است. همچنین نتایج جدول نشان داد، در پیش آزمون؛ میانگین بحران هویت در گروه کنترل اندکی بیشتر از گروه آزمایش است. در پس آزمون؛ میانگین بحران هویت در گروه کنترل بیشتر از گروه آزمایش است. در ادامه پیش فرض‌های تحلیل کواریانس شامل پیش فرض نرمال بودن، همگنی شیب‌های رگرسیون و تساوی واریانس‌ها؛ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۳: نتایج آزمون نرمالیتی بحران هویت

متغیرها	مراحل	کنترل			آزمایش		
		آماره	درجه آزادی	معناداری	آماره	درجه آزادی	معناداری
بحران هویت	پیش آزمون	۰/۱۵۵	۳۰	۰/۰۷۰	۰/۱۱۷	۳۰	۰/۲۰۰
	پس آزمون	۰/۰۹۱	۳۰	۰/۲۰۰	۰/۱۱۸	۳۰	۰/۲۰۰

نتایج این جدول نشان می‌دهد، با توجه به سطوح معناداری آزمون کالموگروف-اسمیرنوف ($P > ۰/۰۵$) پیش فرض نرمال بودن برقرار است و لذا با توجه به احتمال بالای نرمال بودن توزیع (بیشتر از ۵ درصد) می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده نمود.



جدول شماره ۴: خلاصه نتایج بررسی همگنی شیب‌های رگرسیون از اثرات درون آزمودنی‌ها بحران هویت

شاخص آماری منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجموع مجذورات	F	سطح معناداری
پیش‌آزمون بحران هویت* گروه	۲۰۹/۴۸۹	۱	۲۰۹/۴۸۹	۳/۱۰۹	۰/۰۸۲

بر اساس نتایج جدول ۴ اثر تعامل (پیش‌آزمون بحران هویت* زمان) معنادار نیست ($P > ۰/۰۵$)، لذا شیب‌های رگرسیون همگنی دارند و از این مفروضه تخطی نشده است. این نتایج، نتیجه‌گیری قبلی به‌دست‌آمده از بررسی نمودار پراکندگی برای هر دو گروه آزمایش و کنترل را تأیید نمود.

جدول شماره ۵: نتیجه آزمون لوین برای بررسی پیش‌فرض تساوی واریانس‌ها بحران هویت

متغیر وابسته منبع تغییرات	F	df1	df2	معناداری
بحران هویت	۱/۱۱۵	۱	۵۸	۰/۲۹۵

آزمون لوین پیش‌فرض تساوی واریانس‌های دو گروه آزمایش و کنترل را در جامعه بررسی می‌نماید. بر اساس نتایج جدول ۵ آزمون لوین معنادار نیست ($P > ۰/۰۵$)، لذا پیش‌فرض تساوی واریانس‌ها برقرار است. در اینجا ۲۹/۵ درصد احتمال دارد که واریانس‌های دو گروه آزمایش و کنترل در جامعه برابر باشد.

جدول شماره ۶: نتایج آزمون تحلیل کوواریانس آموزش هوش معنوی برافزایش بحران هویت دانش‌آموزان دوره متوسطه اول شهر قم در سال ۹۹-۱۳۹۸

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	معناداری	مجذور اتا	توان آزمون
مدل اصلاح‌شده	۶۶۴/۵۸۱	۲	۳۳۲/۲۹۰	۱۴/۴۶۳	<۰/۰۰۰۵	۰/۳۳۷	۰/۹۹۸
پیش‌آزمون	۴۸۰/۸۳۱	۱	۴۸۰/۸۳۱	۲۰/۹۲۸	<۰/۰۰۰۵	۰/۲۶۹	۰/۹۹۴
گروه	۱۸۰/۳۴۷	۱	۱۸۰/۳۴۷	۷/۸۵۰	۰/۰۰۷	۰/۱۲۱	۰/۷۸۶
خطا	۱۳۰۹/۶۰۳	۵۷	۲۲/۹۷۵				

اطلاعات جدول ۶ نتایج آزمون تحلیل کوواریانس تک متغیره (آنکوا) را نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات جدول، آموزش هوش معنوی باعث کاهش بحران هویت دانش‌آموزان دوره متوسطه اول شهر قم در سال ۹۹-۱۳۹۸ شده است. زیرا مقدار سطح

معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۱ است ($P < ۰/۰۰۰۵$). به‌بیان‌دیگر تفاوت دو گروه کنترل و آزمایش با توجه به تأثیر هوش معنوی بر متغیر وابسته (کاهش بحران هویت)، معنادار است. همچنین می‌توان گفت، تفاوت بین نمرات دو گروه کنترل و آزمایش، بیان‌کننده‌ی این مطلب است که بحران هویت دانش‌آموزان دوره متوسطه اول شهر قم در سال ۹۹-۱۳۹۸ در قبل از آموزش هوش معنوی و بعد از آموزش هوش معنوی به‌طور معناداری متفاوت است. با در نظر گرفتن مجذور آتا، می‌توان گفت ۱۲/۱ درصد این تغییرات یا بهبود ناشی از تأثیر آموزش هوش معنوی است. قابل‌ذکر است، با توجه به این‌که توان آماری ۰/۷۸۶ است، می‌توان گفت حجم نمونه نیز کفایت می‌نماید.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر تعیین اثربخشی آموزش هوش معنوی بر بحران هویت دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه اول شهر قم بوده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که آموزش هوش معنوی بر بحران هویت نوجوانان تأثیر داشته و باعث کاهش بحران هویت در دانش‌آموزان شده است.

این یافته‌ها با یافته‌های پژوهش‌هایی همچون پیروی و رجایی (۱۳۹۵)، حیاتی و همکاران (۱۳۹۵)، مرعشیان و صفرزاده (۱۳۹۶)، برجعلی و خسروی (۱۳۹۵)، عالمی (۱۳۹۵)، وطن‌پرست و همکاران (۱۳۹۴)، حاتمی‌کیا و همکاران (۱۳۹۴)، رجایی و همکاران (۱۳۸۸)، نجفی و همکاران (۱۳۸۵)، لیکلی (۲۰۱۳)، کروگر (۲۰۱۳)، هافمن (۲۰۱۳)، رول (۲۰۰۸)، وبستر (۲۰۰۵)، بارتون (۲۰۰۵) و پل و اسمیت (۲۰۰۳) مطابقت دارد. در تبیین تأثیر هوش معنوی بر کاهش بحران هویت می‌توان گفت هویت کیفیتی همواره جاری در زندگی انسان و سرچشمه معناست و ویژگی اصلی انسان نسبت به سایر موجودات، اراده و اختیار او در هویت‌سازی است. خداوند متعال این موهبت را تنها به آدمی عطا فرموده است. انسانی که به اقرار تمامی ادیان آسمانی اشرف مخلوقات است و با توجه به ذات و شاکله اصلی یکسان همه ادیان، هدفی جز کمال برای او زینده نیست، این اختیار را دارد که آینده سعادت‌مند یا شقاوت‌آلود خویش را ترسیم نماید. او فطرتاً در پی کمال و حقیقت است، ولی عواملی او را از این مهم دورنگه می‌دارند که یکی از این عوامل ظرف زندگی اوست. محیط زندگی تأثیر شگرفی بر هویت آدمی و هویت‌سازی او گذاشته و می‌تواند رفتار و ارزش‌های مستتر در آدمی را ظاهر کند ولی امروزه عواملی چون گرایش به سمت دنیا و مصرف و تجمل‌گرایی و



راحت طلبی و غفلت از جنبه معنوی، مقصد زندگی شده و دوری از معنویات انسان را به مرحله‌ای رسانیده است که از هویت فطری خود به دور افتاده و خود را در بیگانگی می‌انگارد. از آنجایی که این بی‌هویتی به تدریج شکل می‌گیرد، بحرانی به مراتب سخت‌تر و پر اثرتر بر جای خواهد گذاشت. انسان بی‌هویت از انسانیت خود دور شده و با توجه به مطالب گفته شده تنها راه نجات او از این بحران بی‌هویتی، بازگشت او به معنویت است که به زندگی آدمی جهت و معنا داده و او را به فطرت خود نزدیک کرده و او را به آرامشی می‌رساند که در پی آن است (عالمی، ۱۳۹۵: ۱۴). مذهب و معنویت باعث ایجاد احساس معنا در زندگی است و به سؤالات نوجوان در مورد هدف و معنای زندگی پاسخ خواهد داد. به عبارتی زمانی بحران شکل‌گیری هویت حل می‌شود که شخص به معنا و مفهوم زندگی دست یابد.

معنویت و هوش معنوی به انسان قدرت تغییر و تحول را عطا می‌کند و پرسش‌های اساسی او را در مورد ماهیت هستی خود و جهان پیرامون جهت دهد و در یافتن راه کمال انسانی مدد رسان باشد. به گونه‌ای که هر فرد، با درک صحیح آنچه در اختیار دارد و آموختن چگونگی استفاده از آن و چگونگی پرورش و رشد استعداد های ذاتی خود می‌تواند راهبردهای مؤثر مقابله با مسائل و مشکلات را فراگیرد و در راستای گذر از پیچ‌وخم‌های زندگی به رشد و بالندگی برسد و مسیر تعالی را طی نماید. هوش معنوی، فراتر از واقعیت جسمانی و فیزیکی قرار دارد و حوزه تعالی و ماوراء زندگی را در برمی‌گیرد و به پرسش‌های وجودی یعنی چیستی و چرایی جهان هستی پاسخ می‌دهد، پرسش‌هایی چون «از کجا آمده‌ام؟ چرا آمده‌ام؟ و به کجا می‌روم؟».

هوش معنوی، در جست‌وجوی درک چرایی وجود برمی‌آید و آگاهی، بینش و ظرفیت فهم عمیق پرسش‌های وجودی را شامل می‌شود. از طرفی جست‌وجوی هویت در افراد نیز با پرسش‌های عمده‌ای درباره‌ی مفهوم زندگی و نقش فرد در زندگی، مفهوم مرگ و زندگی و زندگی پس از مرگ و به‌طور کلی پرسش‌هایی نظیر «من کیستم؟ و به کجا می‌روم؟» مربوط است و این پرسش‌ها، ذهن فرد را به خود مشغول می‌کند تا به پاسخ آن‌ها دست یابد. با توجه به این که هم در هوش معنوی و هم در هویت پرسش‌های اساسی مربوط به معنای زندگی و هستی‌شناسی مطرح است، به نظر می‌رسد در تکوین هویت می‌توان نقش مهمی برای هوش معنوی قائل بود (برجعی و خسروی، ۱۳۹۵: ۹۷). این یافته‌ها با مفاهیم نظریه شناختی - هیجانی مذهبی همخوانی دارد، زیرا براساس این نظریه انسان‌ها در زندگی خویش با سؤال‌های اساسی روبرو هستند که بدون پاسخ به آن‌ها زندگی آنان، پوچ و بی‌هدف خواهد شد و از بحران هویت در رنج خواهد بود.

باورهای مذهبی اساسی می‌توانند به انسان‌ها در یافتن زندگی خویش و رهایی از بحران هویت کمک کنند (رجایی و همکاران، ۱۳۸۸). مارکستروم و آدامز نیز معتقدند دین و معنویت به‌عنوان یک عامل اجتماعی در شکل‌گیری هویت در دوره نوجوانی تأثیر قابل توجه دارد، چراکه پاسخگوی بسیاری از سؤالات نوجوانان است و بدین ترتیب نوجوانان به‌آسانی می‌توانند خود را دریابند و هویتی پایدار و منسجم برای خود بنا کنند (نجفی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۷).

به عقیده اریکسون زمانی که نوجوان قادر به یافتن ارزش‌های پایدار و مثبت در خانواده و فرهنگ نباشد و ایدئولوژی منسجم و قابل قبولی ارائه نکرده، دچار درهم‌ریختگی عقیدتی می‌شود و هویتی ازهم‌پاشیده پیدا می‌کند. در سایه باورهای دینی و تعالیم آن، زندگی انسان معنا پیدا می‌کند. نگرش مذهبی و معنوی هیچ‌گاه وجود بشر را بی‌هوده و بی‌هدف نمی‌داند (نجفی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۷).

از طرفی همواره نقش سلامت معنوی در حل معضلات اجتماعی و فردی، به نحو چشمگیری قابل ملاحظه بوده است. در حقیقت پابندی به مذهب و تحکیم باورهای مذهبی در جوانان، مانع از انجام هرگونه اعمال منافی عفت شده و جوانان کمتر به اعمال ناروا و رفتارهای ناپه‌نجا که ممکن است نتیجه سردرگمی و بحران هویت باشد، روی می‌آورند. درواقع اعتقادات مذهبی و التزام به انجام اعمال معنوی ازجمله عوامل تأثیرگذار در سلامت روان است که موجب فعال‌سازی مسئولیت‌شخص درزمینه اصول و باورهای مندرج در دین می‌شود و چهره جهان را در نظر فرد معتقد دگرگون کرده و طرز تلقی او را از خود، خلقت و رویدادهای پیرامون تغییر داده که درنهایت منجر به شکل‌گیری هویت سالم و منسجم در فرد گردیده و او را از بحران هویت نجات خواهد داد (مرعشیان و صفرزاده، ۱۳۹۶: ۸۱).

پس به‌طورکلی می‌توان گفت انسان با همه خواسته‌های مادی و غیرمادی‌اش وجودی متعالی است و نیازمند رسیدن به این تعالی. آنچه در وجود او به ودیعه گذاشته شده است تا در سیر به‌سوی تعالی و کمال انسانی، مدد رسان باشد، همان هوش معنوی یا فطرت الهی است. هویت انسان و چگونگی شناخت او درگرو این نیروی درونی قرار می‌گیرد. هوش معنوی از طریق ایجاد ظرفیت تفکر توأم با تحلیل مسائل و ساخت معنا در شرایط مختلف و با ایجاد زمینه درک و استنباط موجب می‌گردد تا انسان خود و روابطش را با محیط و دیگران بشناسد و ارزیابی بهتری از موقعیت و شرایط خویش داشته باشد و جهت‌گیری او را به سمت هدف غایی میسر می‌سازد؛ درواقع هوش معنوی با ایجاد نوعی جهان‌بینی



معنوی، معنا و هدف نهایی زندگی را برای انسان تبیین می‌کند و مقصد حرکت او را نشان می‌دهد و در نتیجه دیگر ابعاد هویتی وی نظیر هویت شغلی، جنسیتی و... به‌عنوان واسطه‌های دستیابی به آن هدف و در راستای آن معنا و غایت نهایی جهت می‌گیرد و در نتیجه منجر به شکل‌گیری هویت سالم و مانع از بروز بحران هویت در فرد خواهد شد.

به‌طور خلاصه این پژوهش بینشی را در مورد تأثیر آموزش هوش معنوی بر بحران هویت به وجود می‌آورد. به این معنا که مکانیسم و نحوه تأثیرگذاری آموزش هوش معنوی بر بحران هویت را تفهیم می‌کند که می‌تواند برای مشاوران مدارس، روانشناسان تربیتی، معلمان و به‌طور کلی برای کسانی که با آموزش و یادگیری سروکار دارند کاربرد فراوانی در مواجهه با بحران هویت دانش‌آموزان در دوران نوجوانی و بلوغ داشته باشد و توصیه‌های سیاستی و اجرایی مفیدی را ارائه دهد. با توجه به نتایج تحقیق حاضر پیشنهاد می‌شود آموزش‌های هوش معنوی به‌صورت کارگاهی برای مربیان پرورشی، مشاوران و مدیران محترم مدارس ارائه شود تا بتوانند با آگاهی کامل در جهت افزایش هوش معنوی نوجوانان تلاش کنند و منجر به کاهش مشکلات بحران هویت در این دوره شوند. هم‌چنین پیشنهاد می‌شود مربیان مدارس با برگزاری کلاس‌های فوق‌برنامه در مورد هدف‌گذاری و پایداری برای رسیدن به اهداف ارزشمند و معنایی در زندگی به رشد هوش معنوی و در نتیجه کاهش بحران هویت در نوجوانان کمک کنند. از طرفی می‌بایست برنامه‌ریزان درسی موارد پیشنهادی را با توجه به رشد شناختی، توان یادگیری و تکلیف‌پذیری دانش‌آموزان در چارت آموزشی و کتب درسی آنان قرار دهند. انتظار این است که برنامه‌ریزان و مشاوران دوره اول متوسطه بیشترین بهره را از این مقاله ببرند.

از آنجاکه این پژوهش همانند دیگر پژوهش‌ها دارای محدودیت‌هایی است به نظر می‌رسد توصیه‌های اجرایی زیر برای سایر محققان مفید واقع شود: اول اینکه در تحقیقات آزمایشی کنترل آزمودنی دشوار است، لذا پیشنهاد می‌شود این پژوهش با روش همبستگی نیز انجام شود. محدودیت جنسی موجود در جامعه آماری (دختر بودن آزمودنی‌ها) و همچنین انجام پژوهش در مقطع متوسطه اجازه‌ی تعمیم‌یافته‌های پژوهش را به‌کل دانش‌آموزان دختر و پسر و دیگر مقاطع تحصیلی نمی‌دهد، لذا پیشنهاد می‌گردد که پژوهشگران این پژوهش را بر روی پسران و همچنین دیگر مقاطع و دانشگاه‌ها اجرا نمایند تا قابلیت تعمیم نتایج افزایش یابد. در رابطه با متغیرهای پژوهش ابزارهای متنوعی برای سنجش آن‌ها وجود دارد که در این پژوهش صرفاً از پرسشنامه بحران هویت احمدی (۱۳۷۶) استفاده شده است و این می‌تواند باعث محدودیت در تعمیم

نتایج شود، لذا پیشنهاد می‌گردد در تحقیقات مشابه از ابزارهای دیگری برای سنجش بحران هویت استفاده شود تا تعمیم‌پذیری نتایج گسترش یابد.

منابع

- محمدی نسب، مه‌ری، همایونی، علیرضا و مجیدی یایچی، نفیسه (۱۳۹۹): «بررسی رابطه همبستگی خانواده و الگوی ارتباطی والدین با بحران هویت نوجوانان»، *پژوهش‌های جامعه‌شناختی*، دوره ۱۴، شماره ۲، صص ۱۳۰-۱۱۹.
- برجعلی، زهرا و خسروی، زهره (۱۳۹۵): «رابطه میان مؤلفه‌های هوش معنوی و هویت فردی»، *اندیشه‌های نوین تربیتی*، دوره ۱۲، شماره ۱، صص ۹۷-۱۱۵.
- پرکی، اسماء و ناستی زایی، ناصر (۱۴۰۰): «بررسی هویت ملی و مدرن دانش‌آموزان شهر سراوان»، *فصلنامه مطالعات ملی*، دوره ۲۲، شماره ۳، صص ۱۰۷-۹۱.
- پیروی، ناهید و رجایی، علیرضا (۱۳۹۵): «اثربخشی تقویت هوش معنوی بر کاهش بحران هویت نوجوانان»، *قم: دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران، Qom*، <https://civilica.com/doc/610253>.
- تاج‌آبادی هرات، جعفر (۱۳۹۱): «اثربخشی آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی بر عزت‌نفس و سازگاری دانش‌آموزان پسر دوره‌ی متوسطه شهر هرات»، استاد راهنما: زهرا قادری، استاد مشاور: سیده مریم حسینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- حاتمی کیا، محمد، خاک نژاد، محمدصادق و آزاد لطف، علی (۱۳۹۵): «بررسی تأثیر رابطه مذهب بر بحران هویت در بین نوجوانان شهر دهدشت در سال ۱۳۹۴»، *سومین کنفرانس بین‌المللی علوم و مهندسی*، <https://civilica.com/doc/491913>.
- حیاتی، مژگان، احمدی الموتی، فاطمه و پور حسن، صابر (۱۳۹۵): «بررسی ابعاد بحران هویت در دوران نوجوانی»، تهران: *کنفرانس ملی دانش و فناوری روانشناسی، علوم تربیتی و جامع روانشناسی ایران*، <https://civilica.com/doc/591235>، Tehran.
- رجایی، علیرضا، بیاضی، محمدحسین و حبیبی‌پور، حمید (۱۳۸۸): «باورهای مذهبی اساسی، بحران هویت و سلامت عمومی جوانان»، *روانشناسان تحولی*، دوره ۶، شماره ۲۲، صص ۹۷-۱۰۷.
- رجبی، صدیقه (۱۳۹۳): «بررسی رابطه هوش معنوی و هوش هیجانی با شادکامی»، استاد راهنما: محمدتقی فراهانی فرمهبینی، استاد مشاور: مهناز شاهقلیان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی عمومی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی.
- سازگار، ملیحه (۱۳۸۹): «اثربخشی آموزش مؤلفه‌های هوش معنوی بر بهزیستی ذهنی دانشجویان دختر پردیس قم»، استاد راهنما: فرامرز سهرابی، استاد مشاور: معصومه اسماعیلی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- سهرابی، فرامرز (۱۳۸۷): «مبانی هوش معنوی»، *فصلنامه سلامت روان*، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۸-۱۴.
- شیردل، الهام، حامی کارگر فاطمه و انجم شعاع، فاطمه (۱۴۰۰): «رابطه بین سرمایه اجتماعی و سبک زندگی با هویت ملی دختران نوجوان شهرستان کرمان»، *فصلنامه مطالعات ملی*، دوره ۲۲، شماره ۲، صص ۸۷-۶۹.
- عالمی، شهاب‌الدین (۱۳۹۵): «تبیین نقش هویت دینی معنوی در بحران هویتی کلان‌شهر امروزی»، تهران: *چهارمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی، معماری و*



شهرسازی <https://civilica.com/doc/5205370>.

- قلعه‌نویی، فرشته و اکبری، اشکبوس (۱۳۹۵)؛ «رابطه مکانیزم‌های دفاعی و بحران هویت با پیروی از مد در دانشجویان دانشگاه اردکان»، *مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری*، دوره ۱، شماره ۵، صص ۴۰-۵۰.
- کاکیا، لیلا (۱۳۸۹)؛ «تأثیر مشاوره گروهی مبتنی بر واقعیت درمانی بر بحران هویت در دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی»، *مجله اصول بهداشت روانی*، دوره ۱، شماره ۱۲، صص ۷-۴۳.
- کهندانی، آمنه، شیرازی، فائزه و عسگری، فاطمه (۱۳۹۴)؛ «نوجوانی و رابطه آن با بحران هویت»، *همایش بین‌المللی روانشناسی و فرهنگ زندگی*، <https://civilica.com/doc/426417>.
- مرعشیان، فاطمه سادات و صفرزاده، سحر (۱۳۹۶)؛ «رابطه التزام عملی به اعتقادات اسلامی و جو عاطفی خانواده با بحران هویت در دانشجویان دختر»، *فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ*، دوره ۹، شماره ۳۴، صص ۸۱-۹۴.
- مریدی، محمدرضا و تقی زادگان، معصومه (۱۳۸۶)؛ «بررسی بحران هویت در بین دانش‌آموزان: نمونه موردی دانش‌آموزان شهر لار در سال تحصیلی ۱۳۸۴-۸۵»، *فصلنامه مطالعات ملی*، دوره ۸، شماره ۲، صص ۱۶۸-۱۴۵.
- نجفی، حسن، ملکی، حسن، سبحانی نژاد، مهدی، مصباح، علی (۱۴۰۰)؛ «هویت دینی و پیش‌بایسته‌های طراحی برنامه درسی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، دوره ۲۲، شماره ۲، صص ۲۶-۳.
- نجفی، محمود، احدی، حسن و دلاور، علی (۱۳۸۵)؛ «بررسی رابطه کارایی خانواده و دین‌داری با بحران هویت»، *ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه شهید*، شماره ۱۶، صص ۱۷-۲۶.
- نمازیان، مریم (۱۳۹۲)؛ «اثر بخشی آموزش هوش معنوی بر میزان گرایش به تفکر انتقادی و اخلاقیت هیجانی»، استاد راهنما: افسانه توحیدی، استاد مشاور: مسعود باقری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- نیک‌آمال، میترا و شادمان‌فر، نسرین (۱۳۹۳)؛ «ارتباط هوش معنوی با تاب‌آوری روان‌شناختی در دانشجویان»، *نشریه تحقیقات روان‌شناختی*، دوره ۶، شماره ۲۲، صص ۱۱۱-۱۲۶.
- وطن‌پرست، محبوبه و پارسب، ساناز و شهسوارزاده جنگی، نسرین (۱۳۹۴)؛ «بررسی رابطه‌ی دین‌داری و بحران هویت در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان بم»، بم: *همایش بین‌المللی روانشناسی و فرهنگ زندگی*، <https://civilica.com/doc/426301>.
- Bartone, P. T (2005); "The need for positive meaning in military operations: Reflections on AbuGhraib" *Military Psychology*, Volume 17, pp. 315-324.
- Berzonsky, M. D (2005); "Ego identity: A personal standpoint in a postmodern world" *Identity: An International Journal of Theory and Research*, Volume 5, Number 2, pp. 125-136.
- Huffman, M.O. (2013); "Identity styles mount antisocial youth prevalence and correlative." *addict behavior*, Volume 74, pp. 59-47.
- Kroger, J (2013); *Identity in adolescence, the balance between self and other*, New York, Rout ledge.
- Lecky, p (2013); *Identity styles: A theory of personality*, shoe string press, New York.
- Poll. Justin B.& Smith.Timothy B (2003); "The Spiritual Self: toward a Conceptualization of Spiritual Identity Development." *Journal of Psychology and Theology*, Volume 31, Number 2, pp. 129-142.
- Revell, L (2008); "Spiritual development in public and religious schools: A case study". *Religious Education*. Volume 103, pp. 102-118.
- Webster. R. Scott (2005); "Personal identity: moving beyond Essence". *International Journal of Childrens spirituality*, Volume 10, Number 1, pp. 5-16.
- Wigglesworth, Cindy. (2004); "Spiritual intelli- gence and why It Matters". *The Inner words Mes-senger, A Newsletter to Spark the Inner Journey*, Retrieved from internet: www.consciouspursuits.com.